

فهرست مطالب

۷	فهرست مطالب
۱۷	یادداشت مؤلف
۲۱	فصل اول: تبیین وضعیت موجود اقتصاد ایران
۴۱	فصل دوم: تولید
۹۱	فصل سوم: سرمایه‌گذاری
۱۳۵	فصل چهارم: توزیع
۱۵۹	فصل پنجم: فعالیت‌های نامولد در اقتصاد ایران
۲۱۹	فصل ششم: بخش کشاورزی
۲۵۳	فصل هفتم: وضعیت بخش مسکن در اقتصاد ایران
۲۷۷	فصل هشتم: صادرات و واردات
۳۲۹	فصل نهم: نرخ ارز
۴۰۳	فصل دهم: بازار سهام
۴۲۳	فصل یازدهم: نظام بانکی
۴۶۵	فصل دوازدهم: نرخ بهره
۴۹۱	فصل سیزدهم: نقدینگی
۵۵۳	فصل چهاردهم: تورم
۵۹۹	فصل پانزدهم: دولت
۶۲۳	فصل شانزدهم: برنامه‌ریزی
۶۴۹	فصل هفدهم: وضعیت بودجه در اقتصاد ایران
۶۸۱	فصل هجدهم: مالیات
۶۹۷	فهرست منابع

یادداشت مؤلف

در کنار فراگیری و تدریس موضوعات مختلف اقتصادی به عنوان یک دغدغه شغلی و حرفه‌ای، وضعیت اقتصادی کشور و سرنوشت آن دغدغه و دل‌نگرانی اصلی ماست. بدون شک ایجاد شغل‌های پایدار، تأمین حداقل‌های زندگی برای هم‌وطنان و هم‌وطنان خود و تأمین رفاه و پیشرفت جامعه و اعتلای جایگاه کشور در سطح بین‌المللی، علاوه بر مسئولان از مسئولیت‌ها و وظایف اصلی ما دانشجویان و معلمان اقتصاد نیز هست.

آموزش و پژوهش در حوزه اقتصاد باید طوری برنامه‌ریزی و اجرا شود که فراتر از پرداختن به نظریات متعارف و صورت‌ظاهری آنها به بسترهای نهادی و اجتماعی و فروض و شرایط نظریات هم‌پردازد و بتواند موضوعات اقتصادی که به خاطر تعامل با موضوعات تاریخی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، حالت چند وجهی و پیچیده به خود گرفته است را توضیح دهد. لذا محقق باید حتی قبل از دستیابی به حقایق آماری طبقه‌بندی شده‌ی آشکار شده، درکی ملموس و منطقی از مسائل اقتصادی جامعه داشته باشد. بنابراین به هیچ وجه نمی‌توان برای تبیین، تحلیل و چاره‌جویی معضلات اقتصادی کشور به صورت ظاهری نظریات متعارف و نتایج استخراج شده از مدل‌های مبتنی بر فروض بی‌شمار ساده‌سازی شده اکتفا کرد، بلکه باید با بکارگیری سطوح تحلیلی چند لایه و لحاظ جنبه‌های نهادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی موضوعات، ابعاد پیچیده آن‌ها را رمزگشایی کرد. این به معنی دست‌کم گرفتن نظریات متعارف و روش‌های مدلی و کمی نیست بلکه تأکیدی بر ضرورت تعمیق آموزش و پژوهش و به‌کارگیری سطوح مختلف تحلیلی در تبیین و توضیح مسائل و موضوعات است.

کتاب حاضر حاصل چندین دوره تدریس اقتصاد ایران در دانشکده اقتصاد علامه طباطبائی است و با تکیه بر نظریه‌های پایه‌ای اقتصاد خرد، اقتصاد کلان، مالیه بین‌الملل و توسعه اقتصادی و واقعیت‌های آشکار و پنهان و توجه به ابعاد متعدد و پیچیده موضوعات و همراه با دغدغه و نگرانی

نسبت به سرنوشت اقتصاد کشور نگارش یافته است. این دغدغه و نگرانی (و در عین حال امیدواری) و تأکید و تکیه بر نظریات اقتصادی در سطوح متعدد تحلیلی در تمام صفحات و سطور آن مشهود و آشکار است.

در این کتاب در عین حال که به نقد و بررسی دیدگاه‌ها و نگاه‌های متضاد و متفاوت پرداخته‌ایم به هیچ وجه دنبال پیدا کردن مقصّر یا پرداختن به مناقشات و مجادلات بی‌فایده نبوده‌ایم و تنها بر منطق استدلالی مشترک میان همه دیدگاه‌ها تأکید کرده‌ایم. تمسک به قواعد نظری و علمی در جای جای کتاب و پرهیز از تلقی‌ات کلیشه‌ای و سطحی در مواجهه با موضوعات به خوبی گواه این مدعاست. استفاده از حقایق آماری، جداول و نمودارهای فراوان به عنوان شواهد تجربی تحلیل‌ها و استدلال‌ها از امتیازات این کتاب است.

در اینجا باید تأکید کنیم که موضوعات مطرح شده در این کتاب، همه‌ی موضوعات مربوط به اقتصاد ایران نیست و طرح و تحلیل همه موضوعات اقتصاد ایران به مجال و فرصت بسیار زیادی نیاز دارد که به یاری خداوند و همراهی و مساعدت دانشجویان و همکارانم در حد توان به آن خواهیم پرداخت.

بنابراین مطالعه این کتاب را به دانشجویان برای درس اقتصاد ایران و حتی دروس اقتصاد کلان، اقتصاد پولی، پول و بانکداری، مالیه بین‌الملل و اقتصاد توسعه، توصیه می‌کنم. البته مطالب آن برای کارشناسان، دست‌اندرکاران امور اقتصادی و کارآفرینان نیز قابل استفاده و مفید است. امید است این تلاش از سر دغدغه و دلسوزی و احساس مسئولیت و این گام کوچک برای اعتلای آموزش و پژوهش علم اقتصاد در کشور و آسیب‌شناسی و چاره‌جویی مسائل اقتصادی کشور مفید باشد.

البته پرداختن به چنین موضوع مهم و در عین حال مشکل، آن‌هم با بضاعت محدود نگارنده خالی از اشکال و ایراد نیست. اینجانب ضمن بر عهده گرفتن همه ایرادات از همه مخاطبان، اساتید ارجمند، دانشجویان گرامی و کارشناسان محترم انتظار ایراد، تصحیح و راهنمایی دارم.

در اینجا لازم است از مساعدت و همکاری پی‌گیر و همه‌جانبه همکار ارجمند و دانشمند، سرکار خانم دکتر پریسا مهاجری برای به سرانجام رسیدن این مجموعه و ارائه نقطه‌نظرات بسیار مفید قدردانی و سپاسگزاری نموده و از خداوند برایشان موفقیت‌های بیش از پیش مسئلت کنم. همچنین از دوستان ارجمند جناب آقای مهندس سیدمحمد بحرینیان و مهندس احسان سلطانی به خاطر در اختیار گذاشتن آمارها و نمودارهای مفید و پیشنهادات خوب تشکر نمایم. به ویژه آقای مهندس سلطانی که زحمت تهیه بسیاری از نمودارها و یک‌دست کردن تمامی آنها و ارائه بعضی مستندات را عهده‌دار شدند. همچنین از مساعدت همکار ارجمند جناب آقای دکتر رضا زمانی به خاطر بازخوانی فصول و ارائه نقطه‌نظرات خود سپاسگزاری می‌نمایم و بالاخره مساعدت دانشجویان دوره دکتری جناب آقای حسین نبی‌زاده و سرکار خانم فاطمه رجبی نیز قابل امتنان است.

از همه مهم‌تر خداوند بزرگ را شاکر و سپاسگزارم که به من فرصت و توفیق داد تا این گام
هر چند کوچک را بردارم و به استعانت و لطف او در آینده برای ایفای دیون و مسئولیت‌هایم در
مقابل مردم، جامعه و ذات مقدّسش امیدوارم.

عباس شاکری
اردیبهشت ۱۳۹۵

فصل اول

تبیین وضعیت موجود اقتصاد ایران

تبیین و ترسیم واقعیت‌ها و تحلیل‌های آسیب‌شناسانه، پیش‌شرط حصول اجماع برای ضرورت اصلاحات جدی امیدوارانه است. متقابلاً چشم‌پوشی از واقعیت‌ها و بیان نکردن تلخی‌های موجود کارآمدی سیاست‌های اصلاحی با هزینه‌های گزاف را به شدت کاهش می‌دهد. دستیابی به اجماع میان مردم و دولت و بسیج ذهنی و عملی برای توسعه مستلزم تبیین واقعیت‌های موجود است. در اینجا نباید دنبال پیدا کردن مقصر بود بلکه باید واقعیت‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها را توضیح داد تا همه قشرها از مردم، دولت و حکومت به مسئولیت‌های فردی و اجتماعی خود در قبال توسعه کشور متنبّه شوند.

مقدمه

قبل از اینکه موضوعات خاصی را در اقتصاد ایران مورد بحث قرار دهیم ضرورت دارد تصویری کلی از وضعیت اقتصاد کشور ارائه دهیم، زیرا درجه توسعه‌یافتگی، جایگاه تاریخی اقتصاد کشور، وضعیت متغیرهای اقتصادی-اجتماعی و تشریح رویه‌ها و رفتارها در تبیین و ارزیابی وضعیت موجود و پیدا کردن راهکار و چاره‌جویی بسیار تأثیرگذار است.

۱-۱. تبیین مشخصه‌های اقتصادهای سنتی، مدرن و در حال گذار و جایگاه اقتصاد ایران

در جوامع در حال تحول، اقتصاد در هر یک از مراحل تاریخی، ویژگی‌های خاص خود را دارد. در ابتدای مراحل تاریخی، اقتصاد در وضعیت سنتی قرار دارد و در انتهای آن، جامعه توسعه‌یافته مدرن. در جامعه سنتی که عمدتاً بر مناسبات کشاورزی و فئودالیسم متکی است، اکثریت برای کاهش فقر مطلق و رفع ضروریات زندگی تلاش می‌کنند و تعادل جامعه وقتی برقرار می‌شود که خوراک مردم تأمین باشد که در اصطلاح به آن، تعادل بخور و نمیر معیشتی گفته می‌شود. یعنی وقتی قوت لازم برای ادامه حیات تأمین باشد.

اما در زندگی اقتصادی مدرن، رفاه بالا دست‌یافتنی است و همه به دنبال حداکثر کردن رفاه هستند و در آن دیگر فقر مطلق مشهود نیست که در واقع تعادل جامعه همان تعادل رفاه است. در حد فاصل این دو وضعیت تاریخی، یک دوره تحول گذار قرار دارد که کشورها بسته به وضعیت نهادها، جایگاه علم و فن‌آوری، بهره‌مندی از برنامه‌ریزی توسعه‌ای، جایگاه بین‌المللی و وفور و کمبود منابع، زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی می‌توانند این دوره را سریع یا بسیار طولانی طی کنند. نکته‌ای که در اینجا وجود دارد این است که طی این دوره، جوامع تعادل ندارند و مدام در حال تعدیل و تطبیق‌اند و این عدم تعادل‌ها و ناآرامی‌ها بدون هزینه نیست و کشورها برای اینکه از تعادل بخور و نمیر معیشتی به تعادل رفاه دست پیدا کنند باید این مرحله گذار را طی کنند.

آنچه مسلم است اقتصاد ما یک اقتصاد توسعه‌نیافته است، زیرا اگر توسعه‌یافتگی را تحول فکری و ذهنی جامعه متناسب با دنیای پیچیده صنعتی، تأمین رفاه سطح بالا همراه با محیط زیست سالم و پاکیزه، انباشت ذخایر علم و فن‌آوری و استفاده کامل از آن در فرآیند و روش‌های تولید و تأمین بهداشت روانی و اجتماعی بدانیم ما هنوز به این وضعیت نرسیده‌ایم. ما از جامعه سنتی هم دور شده‌ایم زیرا با به‌کارگیری محدود روش‌های علمی و فن‌آوری در تولید کشاورزی و صنعتی، تعادل بخور و نمیر سنتی و معیشتی را تأمین و پشت سر گذاشته‌ایم. لذا جامعه ما در حال گذار از وضعیت سنتی به وضعیت توسعه‌یافتگی قرار دارد و سال‌هاست در این مرحله گیر کرده‌ایم. وقتی جوامع در دوره گذار قرار می‌گیرند بسته به تأمین نهادهای اقتصادی-اجتماعی، ارتقاء فکری و ذهنی جامعه متناسب با مقتضیات جوامع صنعتی و مدرن، حضور و مشارکت عامه مردم در تحولات رو به جلو، تقویت و تشدید به‌کارگیری علم و فن‌آوری در روش‌های تولید می‌توانند زود یا دیر آن را طی کنند. شاید بتوان گفت که از زمان مشروطیت به بعد در این مرحله قرار گرفته‌ایم و متأسفانه هنوز با یک کشور توسعه‌یافته زیاد فاصله داریم. لذا ما یک جامعه سنتی در حال گذاریم.

در جوامع سنتی، ذخایر علم و فن‌آوری و منابع شناخته شده و نیروی انسانی با انگیزه و با انرژی که دارای دانش و مهارت کافی باشد، محدود است. فعالیت‌های مزاحم و نامولد گسترده است لذا تولید بسیار محدود است و بخشی از همین منابع هم هدر می‌رود. به طوری که رشد تولید کل

طی سال‌های گذشته چه به لحاظ کمی و چه به لحاظ کیفی بسیار ضعیف بوده است. حل مشکلات مربوط به رشد و توسعه در گرو طی کردن موفقیت‌آمیز این دوره در یک افق زمانی مناسب است. بهر حال این دوره گذار تاریخی اقتضانات خاص خود را دارد. زمان هم بسیار حساس است و هر چه می‌گذرد، محدودیت‌ها، فشارها و رقابت‌ها بیشتر می‌شود. لذا در این دوره برزخی، نه جامعه و اقتصاد به تعادل می‌رسد و نه چشم‌اندازها شفاف می‌شود و اگر درست مدیریت نشود حرکت به سمت تعادل به درجا زنی و بازتولید مشکلات، انفعال و گذران امور در این حالت متلاطم بدل می‌شود.

نکته قابل توجه، این است که وقتی جامعه‌ای در مرحله گذار تاریخی قرار می‌گیرد اگر برای طی کردن موفقیت‌آمیز آن برنامه‌ریزی نکند و عزم عمومی را بسیج نکند و از فرصت‌های حساس بهره‌برداری نکند از آنجا که در دوره گذار و تحول، اقتصاد و جامعه مدام عدم تعادل و تغییر را تجربه می‌کند چه بسا از مزیت تعادل ساده جامعه سنتی محروم شود و آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی و ناپایداری‌های متعدد گریبان‌گیرش شود.

۱-۲. بررسی جایگاه ایران از منظر توسعه اقتصادی بر اساس دیدگاه نهادی

با تعریف و ملاکی که نهادگرایان برای جامعه توسعه‌یافته ارائه می‌کنند ما نیز توسعه‌یافته نیستیم. داگلاس نورث نظم اجتماعی با دسترسی باز سیاسی و اقتصادی را از ویژگی‌های اصلی جامعه توسعه‌یافته قلمداد می‌کند که در آن، رانت ناپایدار شومپیتری عامل پیشرفت است، اما نظم اجتماعی با دسترسی محدود سیاسی و اقتصادی را مشخصه جوامع توسعه‌نیافته می‌داند که در آنها رانت پایدار و مستمر ائتلاف غالب عامل بازدارنده است. بنابراین میزان توسعه‌یافتگی به نزدیکی و دوری نظم اجتماعی حاکم از نظم اجتماعی با دسترسی باز بستگی دارد. با توجه به اینکه فاصله ما با نظم اجتماعی با دسترسی باز زیاد است، تا توسعه‌یافتگی مطلوب هم فاصله بسیاری داریم.

۱-۳. تبیین تفاوت دوره گذار ایران با دوره گذار کشورهای اروپایی و صنعتی

یکی از نکات مهم قابل بحث، این است که دوره گذار کشورهای اروپایی مثل ما با دوره تاریخی گذار کشورهای اروپایی بسیار متفاوت است. آنها در یک بستر تاریخی آرام و تدریجی بدون سلطه اقتصادهای برتر دیگر و بدون توقع و انتظارات رفاهی مردم و بدون حساسیت زمان، مراحل توسعه‌یافتگی خود را طی کردند. اما کار برای کشورهای اروپایی مثل ما از یک جنبه مشکل‌تر است زیرا زمان بسیار حساس و رقابت بین‌المللی بسیار شدید است. توقعات رفاهی مردم نیز در مقایسه با کشورهای پیشرفته بالاست. اقتصادهای مسلط انتخاب‌های ما را محدود می‌کنند، توزیع درآمد نامتعادل و واگراست. چشم‌انداز گذار تاریخی توسعه‌ای روشن نیست. رانت پایدار ائتلاف غالب و بخش‌های نامولد بسیار مشکل ساز است، آنقدر که در آن جوامع، در فضای ذهنی جامعه و

مسئولین و در واقعیت به امساک و انباشت سرمایه تأکید و توجه می‌شد در کشورهای مثل ما نمی‌شود.

اساساً وقتی تولید ضعیف باشد، فعالیت‌های نامولد گسترده باشد، مصرف سنتی و صنعتی بالا باشد، رفاه طلبی و تجمل‌گرایی بر گروهی از جامعه حاکم باشد، مازادی باقی نمی‌ماند تا انباشت سرمایه و سرمایه‌گذاری‌های مبنایی افزایش یافته و شتاب گیرد. اما به هر حال این قضیه یک وجه دیگر هم دارد و آن این است که با وجود سخت‌تر بودن دوره گذار کشورهای در حال توسعه کنونی، برای آن‌ها راه‌های میان‌بر با استفاده از تجارب کشورهای پیشرفته و سرریز اندوخته‌های دانش و فن‌آوری آنها از طریق برنامه‌ریزی توسعه و تلاش هوشمندانه و وافر دولت‌ها و مردم و لحاظ حساسیت‌ها و استفاده از فرصت‌ها وجود دارد. همان راه میان‌بری که ژاپن، کره و بسیاری از کشورهای جنوب شرق آسیا بعد از جنگ دوم جهانی انتخاب کردند و خود را به دروازه‌های پیشرفت و توسعه نزدیک کردند. اساساً موفقیت دوره گذار کشورهای در حال توسعه در گرو این است که این کشورها از راه میان‌بر در یک زمان محدود، تحولات توسعه‌ای خود را به انجام برسانند. در غیر این صورت مشکلاتی را که برای این نوع کشورها برای دوره گذار برشمردیم سد راهشان می‌شود و آن‌ها را از توسعه و پیشرفت حتی دور می‌سازد. ما از مشروطیت گام در مسیر تحول نهاده‌ایم اما بعد از یک قرن، هنوز فاصله زیادی با توسعه داریم و کارهای اساسی که باید برای تحقق این مهم انجام دهیم همه بر زمین مانده است.

۱-۴. بررسی وضعیت اقتصاد ایران

مسیر صد ساله دوره گذار ما گویای آن است که ما زمان را جدی نگرفته‌ایم و نسبت به آن حساسیت نداریم. به جای امساک از مصارف غیرضرور و ایجاد مازادهای کافی و جهت‌دهی آنها به سمت سرمایه‌گذاری بیشتر به رفاه‌طلبی و مصرف و تجمل در حوزه مصرف و اولویت دادن به خرید و فروش و دلالی و سوداگری و رواج فعالیت‌های نامولد پرداخته‌ایم. در صد سال اخیر با چندین تحول سیاسی-اجتماعی عمده مثل مشروطیت و منازعات مربوط به آن، حمله متفقین، نهضت ملی شدن صنعت نفت و انقلاب، جنگ و تحریم‌های بین‌المللی مربوط به منازعات هسته‌ای مواجه بوده‌ایم که این‌ها برای ثبات سرمایه‌گذاری و چشم‌اندازهای توسعه و رشد مشکل‌ساز است. تحولات متعدد نتوانسته است رانت پایدار ائتلاف غالب را به رانت ناپایدار شومپیتری و نظم اجتماعی با دسترسی محدود را به نظم اجتماعی با دسترسی باز تبدیل کند. نظام آموزشی ما با مقتضیات گذار توسعه‌ای سازگار نیست، روحیه علمی ضعیف است. دولت‌ها و برنامه‌ریزان و متصدیان اقتصاد، نگرش توسعه‌ای ندارند. آن‌ها اگرچه از توسعه دم می‌زنند اما به الزامات آن پایبند نیستند. علوم اجتماعی و انسانی در کشور از جایگاه شایسته برخوردار نیست. تلقیاتی نسبت به موضوعات اجتماعی و اقتصادی، تلقیاتی ساده است. کره، مالزی، چین و ترکیه که در چند دهه گذشته

وضعیت‌شان از ما بدتر بوده است ما را پشت‌سر گذاشته‌اند. در حالی‌که به رغم درآمدهای حدود ۱۵۰۰ میلیارد دلاری نفت، در ۴ دهه گذشته رشد درآمدمان بسیار محدود بوده است (جدول (۱-۱) و (۲-۱) را نگاه کنید).

جدول (۱-۱). رشد تولید ناخالص داخلی در ایران، کره جنوبی و چین طی سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۴

واحد: درصد

نرخ رشد			سال	نرخ رشد			سال
چین	کره جنوبی	ایران		چین	کره جنوبی	ایران	
۱۳/۹۴	۶/۳۳	-۱/۴۷	۱۳۷۲ (۱۹۹۳)	۱۹/۴۰	۱۲/۸۷	۱۰/۹۳	۱۳۴۹ (۱۹۷۰)
۱۳/۰۸	۸/۷۷	-۱/۷۰	۱۳۷۳ (۱۹۹۴)	۷	۱۰/۴۴	۱۳/۷۰	۱۳۵۰ (۱۹۷۱)
۱۰/۹۹	۸/۹۳	۲/۴۰	۱۳۷۴ (۱۹۹۵)	۳/۸۰	۶/۵۱	۱۴/۵۰	۱۳۵۱ (۱۹۷۲)
۹/۹۲	۷/۱۸	۶/۳۵	۱۳۷۵ (۱۹۹۶)	۷/۹۰	۱۴/۷۸	۷/۴۴	۱۳۵۲ (۱۹۷۳)
۹/۲۳	۵/۷۷	۱/۳۵	۱۳۷۶ (۱۹۹۷)	۲/۳۰	۹/۳۸	۵/۸۰	۱۳۵۳ (۱۹۷۴)
۷/۸۵	-۵/۷۱	۲/۰۸	۱۳۷۷ (۱۹۹۸)	۸/۷۰	۷/۳۴	-۰/۳۳	۱۳۵۴ (۱۹۷۵)
۷/۶۲	۱۰/۷۳	۲	۱۳۷۸ (۱۹۹۹)	-۱/۶	۱۳/۴۵	۱۸/۲۶	۱۳۵۵ (۱۹۷۶)
۸/۴۳	۸/۸۳	۵/۸۴	۱۳۷۹ (۲۰۰۰)	۷/۶۰	۱۱/۸۲	-۲/۷۷	۱۳۵۶ (۱۹۷۷)
۸/۳۰	۴/۵۲	۲/۳۹	۱۳۸۰ (۲۰۰۱)	۱۱/۸۸	۱۰/۳۰	-۱۲/۸۴	۱۳۵۷ (۱۹۷۸)
۹/۰۹	۷/۴۳	۸/۰۸	۱۳۸۱ (۲۰۰۲)	۷/۶۰	۸/۳۹	-۱۲/۰۲	۱۳۵۸ (۱۹۷۹)
۱۰/۰۲	۲/۹۳	۸/۶۴	۱۳۸۲ (۲۰۰۳)	۷/۸۱	-۱/۸۹	-۲/۱۶۰	۱۳۵۹ (۱۹۸۰)
۱۰/۰۷	۴/۹۰	۴/۳۳	۱۳۸۳ (۲۰۰۴)	۵/۱۷	۷/۴۰	-۵/۶۹	۱۳۶۰ (۱۹۸۱)
۱۱/۳۵	۳/۹۲	۴/۲۰	۱۳۸۴ (۲۰۰۵)	۹/۰۲	۸/۲۹	۲۳/۱۷	۱۳۶۱ (۱۹۸۲)
۱۲/۶۹	۵/۱۸	۵/۷۰	۱۳۸۵ (۲۰۰۶)	۱۰/۷۵	۱۲/۱۸	۱۱/۰۹	۱۳۶۲ (۱۹۸۳)
۱۴/۱۹	۵/۴۶	۹/۱۲	۱۳۸۶ (۲۰۰۷)	۱۵/۳۰	۹/۸۶	-۷/۱۴	۱۳۶۳ (۱۹۸۴)
۹/۶۲	۲/۸۳	۰/۹۲	۱۳۸۷ (۲۰۰۸)	۱۳/۵۵	۷/۴۷	۱/۸۷	۱۳۶۴ (۱۹۸۵)
۹/۲۳	۰/۷۱	۲/۳۱	۱۳۸۸ (۲۰۰۹)	۸/۹۳	۱۲/۲۴	-۹/۷۸	۱۳۶۵ (۱۹۸۶)
۱۰/۶۳	۶/۴۹	۶/۵۶	۱۳۸۹ (۲۰۱۰)	۱۱/۷۲	۱۲/۲۷	-۰/۱۷	۱۳۶۶ (۱۹۸۷)
۹/۴۸	۳/۶۸	۳/۷۵	۱۳۹۰ (۲۰۱۱)	۱۱/۳	۱۱/۶۶	-۶/۰۸	۱۳۶۷ (۱۹۸۸)
۷/۷۵	۲/۲۹	-۶/۶۱	۱۳۹۱ (۲۰۱۲)	۴/۲۱	۶/۷۵	۶/۱۳	۱۳۶۸ (۱۹۸۹)
۷/۶۸	۲/۸۹	-۱/۹۱	۱۳۹۲ (۲۰۱۳)	۳/۹۳	۹/۳۰	۱۲/۵۹	۱۳۶۹ (۱۹۹۰)
۷/۲۷	۳/۳۱	۴/۳۴	۱۳۹۳ (۲۰۱۴)	۹/۲۷	۹/۷۱	۱۲/۷۲	۱۳۷۰ (۱۹۹۱)
				۱۴/۲۷	۵/۷۷	۳/۳۰	۱۳۷۱ (۱۹۹۲)

Source: World Bank (2015), "world development Indicators".

جدول (۱-۲). درآمدهای نفتی در دوره‌های مختلف زمانی

بازه زمانی	درآمد به میلیارد دلار
تا سال ۱۳۵۲	۲۶/۸
۱۳۵۲ تا ۱۳۵۷	۱۱۲/۷
دولت‌های اول و دوم	۲۵/۸
دولت‌های سوم و چهارم	۱۱۰/۶
دولت‌های پنجم و ششم	۱۴۱/۷
دولت‌های هفتم و هشتم	۱۵۷/۲
دولت‌های نهم و دهم (تا ۱۳۹۰)	۵۳۱

منبع: خبرگزاری مهر (۱۳۹۱)، شناسه خبر ۱۶۸۸۶۲۲

لذا ما نه تنها از راه میان‌بر برای توسعه استفاده نکرده‌ایم بلکه از فرصت‌های دوره گذار به طور محدود استفاده کرده‌ایم و بسیاری از تهدیدهای این دوره را هم برای کشور خود و سرنوشت توسعه آن به فعلیت رسانده‌ایم. فقدان دولت توسعه‌خواه، رواج فساد و رانت، عدم تعادل‌های اقتصادی و اختلالات قیمت‌های نسبی و عدم تعادل‌های اجتماعی حالتی ماندگار، پیچیده و عمیق به خود گرفته است و جایگاه نسبی ما را در بسیاری از زمینه‌ها مثل رشد، تورم، بیکاری، فساد، حقوق مالکیت، فضای کسب و کار، ریسک و محیط زیست به طور مستمر تنزل داده است. در این فرآیند تاریخی، کار وقتی پیچیده و سخت‌تر شده است که بعضی از برنامه‌ریزان بدون برخورداری از دانش توسعه و نگاه توسعه‌ای با ابزار شوک‌درمانی و تغییر مکرر قیمت‌های کلیدی، شرایط را برای رشد و توسعه سخت‌تر و اختلالات و عدم تعادل‌ها را تشدید کرده‌اند و یک ربع قرن فرصت تاریخی بعد از جنگ را با نگاه‌ها و اقدامات این‌گونه هدر داده‌اند. بنابراین عدم درک حساسیت‌های زمان، عدم انباشت کافی مازاد و سرمایه، عدم استفاده از ذخایر دانش و فن‌آوری‌های موجود در مدرن‌سازی روش‌های تولید، حضور دولت‌های کوتاه‌نگر و غیرتوسعه‌ای، ضعف فرهنگ توسعه در میان دولتمردان، برنامه‌ریزان و مردم، استفاده ناصحیح از منابع خدادادی و گسترش بخش نامولد، بنیان تولید مبتنی بر روش‌های علمی را تضعیف کرده است و تولید بی‌جان به انباشت کمتر سرمایه، بدتر شدن توزیع درآمد و ضعف دوباره تولید منجر شده است.

علاوه بر کمیت، کیفیت تولید و ساختار آن نیز مناسب نیست. تولیدات سنتی با تولیدات صنعتی و مدرن، هماهنگ و سازگار نیستند. دوگانگی بخش‌های مدرن و سنتی، پیشرفت فنی تولید و گذار از تولید سنتی به تولید مدرن را کند و مشکل کرده است. تولید از ناحیه کالاهای واسطه‌ای، سرمایه‌ای و مواد اولیه به خارج وابسته است. گسترده بودن بخش خدمات در بسیاری از موارد، مکمل تولید نیست بلکه مزاحم آن است. ضعف و محدودیت کالاهای سرمایه‌ای برای سرمایه‌گذاری چشمگیر است و کالاها از استانداردهای کیفی مناسب و رقابت‌پذیری لازم برخوردار نیستند.

سیطره بخش نامولد بر اقتصاد موجب شده است درآمد اکتسابی^۱ عوامل اقتصادی مقهور و تحت‌الشعاع عایدات سرمایه‌ای^۲ و جریان درآمد سرمایه^۳ قرار گیرد و این امر بازی اجتماعی اقتصاد را به جای یک بازی با جمع مثبت و برد-برد به بازی با جمع صفر و برد-باخت تبدیل کرده است. نظام بانکی و نظام مالی اقتصاد با نیازهای تولید و فعالیت‌های مولد هماهنگ نیست. سهم معاملات نامرتب با GNP از کل معاملات رو به افزایش است. مبنای علمی و فنی تولید یعنی دانش علمی، دانش فنی و وسایل و روش‌های تولید با مقتضیات دنیای مدرن فاصله زیادی دارد. تحول فرهنگی چرخش از رویه آزمون و خطای سنتی و روش‌های استاد-شاگردی به مطالعات کتابخانه‌ای و آزمایشگاهی و آموزش‌های جدید و مؤثر و انقیاد نسبت به تحکم علم بسیار کند و ضعیف است.

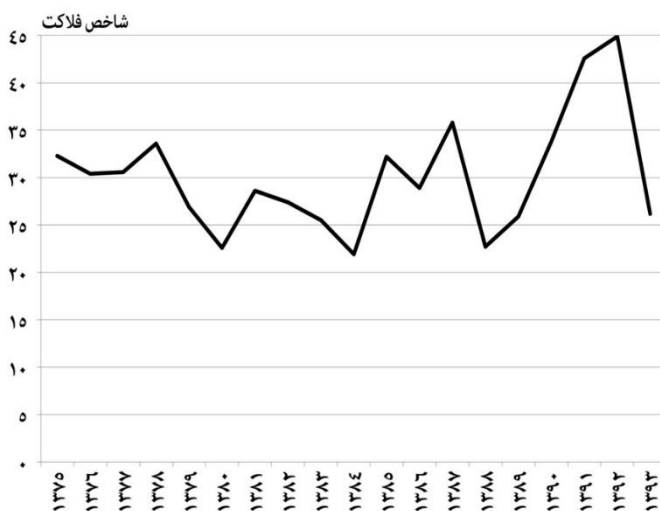
با وجود طولانی شدن دوره گذار توسعه کشور، در مجموع هنوز وجوه اشتراک ما با جامعه سنتی نسبت به جامعه مدرن بیشتر است. مثلاً همانطور که گفتیم موجودی سرمایه در اقتصاد ما مثل جامعه سنتی محدود و کم‌بازده است. منابع طبیعی قابل دسترس محدود است و در عین حال هدر دادن منابع هم زیاد است، هدف فعالیت‌های اقتصادی، گذران امور و تداوم حیات است نه توجه به کارایی، بهره‌وری و خلق محصولات جدید و ایجاد ارزش‌افزوده بیشتر روی مواد خام. از همه مهم‌تر نگاه مردم نسبت به اقتصاد و جامعه متناسب با پیچیدگی‌های زندگی کنونی تغییر نکرده و هنوز بیشتر با فضای جوامع سنتی سازگار است تا جامعه صنعتی جدید. البته اقتصاد ما دیگر هویت ملی و محلی ندارد بلکه یک اقتصاد بین‌المللی است، اما نه تنها نسبت و رابطه آن با اقتصاد بین‌الملل متوازن نیست بلکه تا حدودی یک اقتصاد وابسته است.

باورهای فرهنگی جامعه هم نه مانند دنیای مدرن علمی و جدا شده از سنت‌ها با مقتضیات توسعه سازگار و همراه است و نه سنت محور و غیرعلمی. به عبارت دیگر جامعه در یک گذار و تحول فرهنگی قرار دارد. عدم تعادل و واگرایی در این قلمرو هم شدید است. لذا بی‌ثباتی و عدم تعادل‌های گسترده مختص اقتصاد نیست بلکه جامعه و فرهنگ را هم در بر گرفته است و به جای این‌که از فرهنگ کار و سنت‌های صحیح برای اعتدالی رشد و توسعه کشور استفاده شود و رشد و پیشرفت کشور، فرهنگ جامعه را متناسب با پیچیدگی‌های زمان و اقتصاد و اجتماع ارتقا دهد ما به نوعی هم از سنت‌های صحیح خود که در آن، درآمد را تنها از مجرای کار و تلاش و خدمت نافع، مشروع می‌داند و احترام به حقوق دیگران و جامعه و آیندگان را محترم می‌شمارد جدا شده‌ایم. هم اینکه به یک ظرفیت فکری و ذهنی متناسب با پیچیدگی‌های یک جامعه صنعتی دست نیافته‌ایم. قانون‌گریزی، سواری مجانی و عدم لحاظ مقتضیات یک جامعه در حال توسعه و رو به جلو و ساده‌انگاری امور در رفتارهای فردی و اجتماعی مشهود است. شوک‌درمانی‌ها؛ سوداگری‌ها و روحیه

-
1. Earning Income
 2. Capital Gain
 3. Flow of Capitalized Income

دلالتی و تولید‌گریزی و تورم و بی‌ثباتی‌های ناشی از آن، فرهنگ جامعه را هم تنزل داده است. لذا فرهنگ و اقتصاد به جای تقویت و تعامل دو سویه مثبت، عملاً همدیگر را تضعیف می‌کنند. روحیه دلالتی، سوداگری، سواری مجانی، کتمان اطلاعات، تجمل‌گرایی، چشم و هم‌چشمی، کسب درآمدهای بالا از هر مجرا و روش، بی‌توجهی به کار و تلاش، عدم توجه به حفظ حقوق متقابل فرد و جامعه و افراد با یکدیگر، خلاف کاری و قانون‌گریزی و قاچاق به طور چشمگیری وارد تلقیات و ارزش‌ها و فرهنگ جامعه شده است. البته قانون‌مندی‌ها و مقتضیات دوره تاریخی گذار و الزامات نهادی و برنامه‌ریزی و رفتاری آن در دانش توسعه بحث می‌شود نه با قواعد متعارف و جریان غالب نظریات کنونی کشورهای پیشرفته. لذا برای تحول فکر و اندیشه و فرهنگ متناسب با دوره گذار موفق و سریع، انباشت علم و فن‌آوری و استفاده کارآمد از آن‌ها در فعالیت‌های روزمره اقتصاد، تأکید بر تخصیص منابع به موضوعات دارای صرفه‌های بیرونی و جانبی و پرهیز از اختصاص منابع به امور با آثار جانبی منفی در نظام فکری توسعه‌ای و توسط صاحب‌نظران ژرف‌نگر چاره‌جویی می‌شود نه صرفاً در چارچوب تحلیل‌های نظری کمی مبتنی بر صرف نظام قیمت‌ها. در فضای اقتصاد کلان هم متغیرهای بیکاری و تورم در اقتصاد به طور مستمر بالا هستند که می‌توان وضعیت هر دو را با شاخص فلاکت نشان داد.

نمودار (۱-۱). شاخص فلاکت



منبع: محاسبات بر اساس آمارهای منتشر شده توسط بانک مرکزی

صادرات کالاهای با فن‌آوری بالا بسیار محدود است که حکایت از ضعف رقابت‌پذیری در اقتصاد دارد.

جدول (۱-۳). ارزش صادرات کالاهای دارای فن آوری پیشرفته در کشورهای منتخب سالهای ۲۰۱۳-۱۹۸۸

واحد: میلیارد دلار

سال	برزیل	چین	ایران	کره جنوبی	مالزی	هند	ترکیه
۱۹۸۹	۱/۱۶۵	-	-	۱۰/۲۸۶	۴/۶۷۶	۰/۵۱۲	-/۱۳۴
۱۹۹۰	۱/۰۵۳	-	-	۱۰/۹۳۶	۶/۰۵۰	۰/۴۹۷	-/۱۰۷
۱۹۹۱	۰/۹۰۲	-	-	۱۲/۸۶۸	۷/۹۵۱	۰/۶۰۴	-/۰۸۹
۱۹۹۲	۱/۰۰۷	۴/۳۰۲	-	۱۴/۰۱۹	۱۰/۲۱۹	۰/۶۱۵	-/۱۲۳
۱۹۹۳	۰/۹۰۰	۵/۲۴۷	-	۱۵/۴۵۳	۱۳/۴۹۵	۰/۶۹۵	-/۱۴۸
۱۹۹۴	۱/۰۹۷	۸/۲۵۸	-	۲۰/۱۸۱	۱۹/۱۶۷	۰/۹۵۹	-/۲۱۷
۱۹۹۵	۱/۲۰۷	۱۳/۰۵۷	-	۲۹/۷۸۶	۲۵/۴۰۹	۱/۳۵۱	-/۱۹۳
۱۹۹۶	۱/۵۷۵	۱۵/۸۲۲	-	۲۷/۶۶۰	۲۶/۳۳۱	۱/۶۶۲	-/۲۷۵
۱۹۹۷	۲/۱۲۲	۲۰/۴۷۷	۰/۰۰۲	۳۱/۵۰۲	۲۹/۵۰۱	۱/۶۸۶	-/۴۲۳
۱۹۹۸	۲/۶۰۹	۲۴/۶۳۹	۰/۰۰۳	۳۰/۹۳۴	۳۱/۶۶۲	۱/۴۱۴	-/۴۵۴
۱۹۹۹	۳/۳۹۵	۲۹/۵۹۸	۰/۰۰۶	۴۱/۳۷۶	۳۹/۹۹۴	۱/۶۷۹	-/۸۷۱
۲۰۰۰	۵/۹۹۰	۴۱/۷۳۵	۰/۰۱۲	۵۴/۳۳۲	۴۷/۰۲۶	۲/۰۶۲	۱/۰۷۷
۲۰۰۱	۶/۰۵۷	۴۹/۴۰۹	۰/۰۲۶	۴۰/۳۵۸	۴۰/۹۲۸	۲/۲۸۶	-/۹۹۱
۲۰۰۲	۵/۲۲۳	۶۹/۲۲۶	۰/۰۳۸	۴۶/۹۳۶	۴۳/۵۷۹	۲/۳۵۳	-/۵۳۶
۲۰۰۳	۴/۵۱۴	۱۰۸/۶۶۹	۰/۰۵۰	۵۷/۴۵۸	۴۷/۳۷۰	۲/۷۱۰	-/۷۶۳
۲۰۰۴	۵/۹۵۴	۱۶۳/۰۰۷	۰/۰۷۰	۷۶/۱۱۷	۵۳/۲۶۸	۳/۳۵۵	۱/۰۱۰
۲۰۰۵	۸/۰۲۱	۲۱۵/۹۲۸	۰/۱۳۱	۸۳/۹۰۷	۵۷/۷۰۰	۴/۱۳۹	-/۸۸۲
۲۰۰۶	۸/۴۱۸	۲۷۳/۱۳۱	۰/۴۰۲	۹۳/۳۵۱	۶۳/۴۹۴	۴/۸۷۶	۱/۲۸۱
۲۰۰۷	۹/۰۷۶	۳۰۲/۷۷۳	-	۱۰۱/۰۳۲	۶۵/۲۲۴	۵/۹۹۷	۱/۶۴۴
۲۰۰۸	۱۰/۲۸۵	۳۴۰/۱۱۸	-	۱۰۰/۹۰۸	۴۲/۹۷۲	۷/۷۳۸	۱/۶۷۹
۲۰۰۹	۷/۸۹۶	۳۰۹/۶۰۱	-	۹۲/۸۵۵	۵۰/۹۷۲	۱۰/۷۲۸	۱/۳۵۹
۲۰۱۰	۸/۱۲۲	۴۰۶/۰۸۹	۰/۵۸۴	۱۲۱/۴۷۸	۵۹/۳۳۲	۱۰/۰۸۶	۱/۷۱۴
۲۰۱۱	۸/۴۱۴	۴۵۷/۱۰۷	۰/۶۵۲	۱۲۲/۰۲۱	۶۱/۱۲۷	۱۲/۸۷۱	۱/۹۲۱
۲۰۱۲	۸/۸۲۰	۵۰۵/۶۴۶	-	۱۲۱/۳۱۲	۶۱/۲۲۹	۱۲/۴۳۴	۱/۹۷۹
۲۰۱۳	۸/۳۹۱	۵۶۰/۰۵۸	-	۱۳۰/۴۶۰	۶۰/۳۷۲	۱۶/۶۹۳	۲/۱۷۷

Source: World Bank (2015), World Development Indicators.

و این خود معلول ضعف تولید، ضعف سرمایه‌گذاری، فقدان روش‌های تولیدی دانش‌بنیان و علم محور و وجود بخش نامولد مزاحم تولید است. محصولات علمی و پژوهشی از کیفیت و عمق لازم برخوردار نیستند. کتب و مقالات تولید شده انعکاس تولید علم در کشور نیستند. آموزش عالی گسترش‌یافته با کیفیت و انضباط آموزشی و پژوهشی همراه نیست. تحقیق و توسعه در بنگاه‌ها ضعیف است. مدارک و مدارج تحصیلی و رتبه‌های علمی طیفی از تلاش‌های علمی نخبگان و عالمان واقعی تا شگردهای ناپسند افراد کاسب کار و بی‌محتوا و مدرک‌گرا را انعکاس می‌دهد و این موجب افت اعتبار علم و عالمان واقعی در کشور شده است.

نظام انگیزشی و پاداش‌دهی بسیار نامناسب و به هم ریخته است به طوری که گفته می‌شود کسی نمی‌تواند با کار و تلاش به جایی برسد. باور رایج این است که تنها راه ثروتمند شدن و تأمین هزینه‌های زندگی دلالتی و سوداگری است و این یک باور خطرناک برای سرنوشت توسعه کشور است. وجود دولت رانتیر غیرپاسخگو در کنار بخش نامولد مزاحم، ضعف فضای عمومی و ضعف بنیان‌های جامعه مدنی و نبود نظریه‌ای اساسی در مورد مسئولیت‌های دولت و نحوه دخالت آن در اقتصاد هم از ویژگی‌های دیگر اقتصاد ما در این دوره گذار است.

وجود نفت در اقتصاد هم که می‌توانست به سرعت گذار اقتصاد کمک کند موجب شده است بنیه تولیدی ضعیف بماند اما بنیه مصرفی جامعه تقویت شود به طوری که اقتصاد روز به روز به نفت و واردات وابسته‌تر شود و اقتصاد کشور در دام بیماری معروف هلندی گرفتار گردد و مصرف و تولید هر دو به خارج وابسته شوند و این وضعیت، حرکت ما به سوی توسعه را کند می‌کند. اساساً وقتی نفت وارد اقتصاد می‌شود می‌تواند از دو مسیر اقتصاد را تحت تأثیر قرار دهد. در یک مسیر قرار دادن درآمدهای نفت در بودجه و اختلالات و تأثیرات پولی نفت و به هم خوردن تعادل بخش قابل مبادله و غیرقابل مبادله به نفع بخش غیرقابل مبادله موضوعیت دارد و در یک مسیر هم نفت که وارد بودجه می‌شود عامل عمده اختلال در کارکرد پول و نقدینگی می‌شود و بخش غیرقابل مبادله، بخش زیادی از منابع را به خود جذب می‌کند و دلالتی، سوداگری و فعالیت‌های نامولد رواج می‌یابد. ما در اقتصاد با نحوه نگاه و کارکرد خود همه مجاری تأثیرگذاری مثبت نفت را مسدود کرده‌ایم و همه مقدمات اختلال زایی نفت در اقتصاد را فراهم کرده‌ایم. استراتژی و سیاست تجاری مشخص و سنجیده‌ای هم نداریم. سیاست‌های جایگزینی واردات در گذشته هم در مورد کالاهای مصرفی اجرا شده است نه کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای. لذا وقتی نرخ ارز بی‌ثبات می‌شود و قابلیت دسترسی به ارز محدود می‌شود، در اقتصاد هم در طرف تولید و هم در طرف تقاضا زلزله ایجاد می‌شود و توزیع درآمد، رفاه جامعه و بافت تولید را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

همانطور که قبلاً هم اشاره کردیم نظام پولی و مالی کشور و نظام بانکی به طور خاص با مقتضیات توسعه‌ای دوره گذار سازگار نیست. سازوکار خلق پول و اعتبار به گونه‌ای است که تسهیل‌کننده فعالیت‌های نامولد و بسط‌دهنده فعالیت‌های نامرتب با تولید است. این امر موجب بروز تورم بالا و مستمر در اقتصاد می‌شود. تورم هم ماهیتی بسیار نامتناسب دارد. هزینه‌های تولید را بالا می‌برد، سهم عوامل مولد را کاهش می‌دهد، بهره‌مندی عوامل نامولد را افزایش می‌دهد و به طور مستمر موجب محدودیت مازاد کالایی برای سرمایه‌گذاری می‌شود و بین مازاد کالایی و پس‌انداز واقعی و پس‌انداز پولی شکاف ایجاد می‌کند. این امر موجب محدودیت بیشتر تولید می‌شود و ظرفیت سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد که این امر بالطبع به بیکاری مستمر و بدتر شدن توزیع درآمد و ضعف مستمر بنیه تولیدی منتج خواهد شد.

عملکرد نظام بانکی نیز غیرشفاف است و بانک مرکزی هم استقلال لازم را ندارد. بخش منفعل پول در اقتصاد قابل ملاحظه است. سرعت گردش پول بسیار انعطاف پذیر است و اینها همه کار را برای استفاده از سیاست‌های پولی برای هدف‌گذاری تورم و ایجاد رونق تولید در اقتصاد مشکل کرده است.

حضور بخش‌های شبه دولتی در اقتصاد بسیار پررنگ بوده و روزه‌روز در حال افزایش است. آنها در ساخت و ساز تجاری و تجارت خارجی و احداث برج‌های تجاری و فعالیت سوداگرانه حضور دارند و تداوم رانت پایدار غیرشومپیتری ائتلاف غالب را به خوبی نشان می‌دهند و به خاطر نگرش‌های سودجویانه، رانتی و ماهیتاً کوتاه‌مدت، زمینه را برای گذار موفقیت‌آمیز از این مرحله تاریخی، سخت می‌کنند. حضور آنان در اقتصاد زمینه گسترش عدم شفافیت، قاچاق و فساد و تداوم آن را تشدید می‌کند که در مجموع به تنزل جایگاه بخش مولد نسبت به فعالیت‌های نامولد منجر می‌شود.

وضعیت توزیع درآمد هم به لحاظ تابعی مناسب نیست، بهره‌مندی عوامل نامولد از درآمد کل روز به روز افزایش یافته و بهره‌مندی کارگران و کارآفرینان و صاحبان سرمایه کاهش می‌یابد و این واگرایی در توزیع درآمد باعث شده که گران‌قیمت‌ترین خودروها توسط عوامل نامولد وارد و استفاده شود اما عامه مردم توان خرید خودروهای داخلی را هم نداشته باشند به طوری که تولید خودروی داخلی با کمبود تقاضا از جانب مردم مواجه شده است. در بعضی فروشگاه‌های لوکس تهران، لوستر دو میلیارد تومانی و بیشتر فروخته می‌شود اما سازمان بهزیستی برای دادن ۱۰۰ هزار تومان به خانواده‌های فقیر صاحب فرزند معلول محدودیت دارد.

جایگاه نسبی بخش‌ها نیز مناسب نیست. خدمات با وجود عدم رخداد انقلاب بهره‌وری و روش علمی تولید انبوه، بسیار گسترده و بی‌کیفیت است. بسیاری از خدمات نه تنها زاینده تولید یا مکمل آن نیستند بلکه مزاحم آن نیز هستند. بخش صنعت با وجود ایجاد صنایع فراوان از روش و مناسبات صنعتی بهره‌مند نیست، جنبه‌های نرم‌افزاری صنعت به فراموشی سپرده شده است، لذا صنایع ما به عنوان مجموعه‌ای از کارخانه‌ها و ماشین‌آلات، از استقلال و دانش فنی بومی و نیازهای نرم‌افزاری بهره‌مند نیستند. به عبارت دیگر ما صنعت زیاد داریم اما به مفهوم واقعی کلمه صنعتی نیستیم. بخش کشاورزی با وجود تنوع اقلیمی و وجود زمین‌های حاصلخیز از دانش فنی به طور محدود استفاده می‌کند. بهره‌وری عوامل تولید و آب بسیار پایین است، الگوهای کشت با نیازهای زیست‌محیطی و محدودیت منابع منطقه‌ای سازگار نیست، از صرفه‌های مقیاس به خاطر سطح کوچک مزارع استفاده نمی‌شود. توزیع محصولات کشاورزی بسیار نامناسب و در بعضی موارد ظالمانه است.

دیدگاه مشخصی در مورد توسعه بخش کشاورزی و توسعه روستایی وجود ندارد لذا روزه‌روز تعادل شهر و روستا به نفع شهرنشینی و حاشیه‌نشینی و به زیان ده و روستا در حال تغییر است و

این روند مهاجرت نامتعادل تنها به مشکلات اقتصاد افزوده و تحقق رشد و توسعه را پیچیده می‌کند. روند مهاجرت از روستا به شهر در کشور ما با روند آن در کشورهای توسعه‌یافته کنونی کاملاً متفاوت است. در آنجا پیشرفت فنی و استفاده از روش‌های فنی نوین تولید، ضمن افزایش بهره‌وری عوامل در بخش کشاورزی، نیروی کار از این بخش آزاد می‌شد و جذب بخش‌های صنعتی شهری می‌شد که در حال پیشرفت و گسترش بود. توجه به عمران و توسعه روستاها و صنایع مکمل کشاورزی در بخش روستایی، تعادل مناسب جمعیت شهر و روستا را تنظیم می‌کرد. اما در ایران به خاطر ضعف بنیه تولید علمی کشاورزی، نامناسب بودن شبکه توزیع و نبود صنایع تکمیلی و پایین بودن بازدهی و بهره‌وری این بخش، همه تلاش می‌کنند از روستاها به شهرها یا حومه آنها مهاجرت کنند و با وجود محدودیت بازار کار در شهر و حومه مستقر شوند و به پویایی و پیچیدگی مقوله بیکاری بیفزایند و تعادل شهر و روستا را به هم بریزند و حتی موجب گسترش آسیب‌های اجتماعی شوند.

جدول (۱-۴). آمار جمعیت شهرنشین و روستایی و مهاجرت

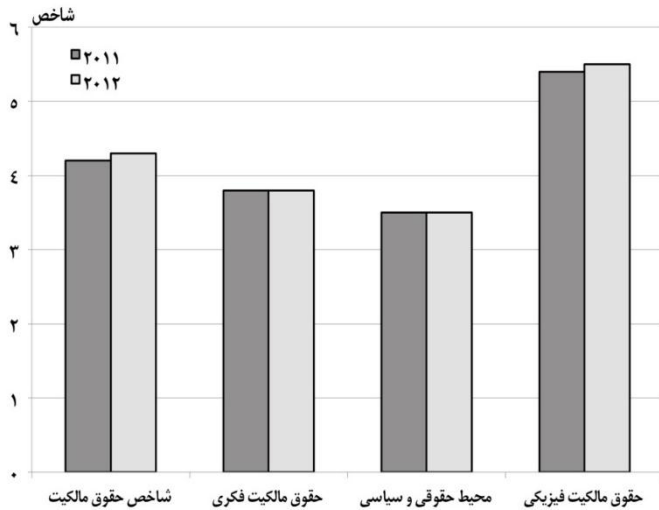
سال	جمعیت شهری (میلیون نفر)	میزان شهرنشینی (درصد)	جمعیت روستایی (میلیون نفر)	میزان روستاننشینی (درصد)	آمار مهاجرت (میلیون نفر)
۱۳۳۵	۹/۹۵۳	۳۱/۴	۱۳/۰۰۱	۶۸/۶	
۱۳۴۵	۹/۷۹۴	۳۷/۹	۱۵/۹۹۴	۶۲/۱	از مجموع ۵/۰۸۹ میلیون نفر که طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰، محل اقامت خود را تغییر داده‌اند محل اقامت قبلی ۷۸/۹ درصد آنها نقاط شهری و ۲۱/۱ درصد آنها نقاط روستایی بوده است.
۱۳۵۵	۱۵/۸۵۵	۴۷	۱۷/۸۵۴	۵۳	
۱۳۶۵	۲۶/۸۴۴	۵۴/۳	۲۲/۶۰۰	۴۵/۷	
۱۳۷۵	۳۶/۶۱۸	۶۱/۳	۲۳/۲۳۸	۳۸/۷	
۱۳۸۵	۴۸/۲۵۹	۶۸/۵	۲۲/۲۳۶	۳۱/۵	
۱۳۹۰	۵۳/۶۴۷	۷۱/۴	۲۱/۴۴۷	۲۸/۶	

منبع: مرکز آمار ایران، سری زمانی جمعیت و میزان شهرنشینی طی دوره ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰

مرکز آمار ایران (۱۳۹۳)، مهاجرت‌های داخلی کشور در سطح شهرستان بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰.

همچنین اقتصاد ایران به لحاظ شاخص‌های نهادی در وضعیت مطلوبی قرار ندارد. امتیاز ایران از منظر شاخص‌های بین‌المللی حقوق مالکیت در سال ۲۰۱۲ حدود ۴/۴ از ده بوده است. این شاخص از سه نماگر حقوق مالکیت معنوی، حقوق مالکیت فیزیکی و محیط حقوقی و سیاسی تشکیل شده است. رتبه ایران در حقوق مالکیت معنوی ۱۰۷، در حقوق مالکیت فیزیکی ۱۰۱ و در محیط حقوقی و سیاسی ۱۰۷ می‌باشد. نکته قابل ذکر این است که محیط حقوقی و سیاسی به وضعیت استقلال قضایی، حاکمیت قانون، ثبات سیاسی و کنترل فساد اشاره دارد. حقوق مالکیت فیزیکی به حمایت از حقوق مالکیت فیزیکی، ثبت اموال و دسترسی به وام اشاره دارد و بالاخره حقوق مالکیت فکری، به حمایت از مالکیت فکری، حمایت از حق اختراع و ممانعت از سرقت ادبی و کپی‌رایت اشاره دارد.

نمودار (۲-۱). وضعیت ایران در شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۱)، «جایگاه ایران در شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت ۲۰۱۲»، گروه مطالعات کسب و کار، شماره ۱۲۷۲۱.

این جایگاه نهادی برای دوره گذار موفق و سریع مناسب نیست و واقعاً باید برای آن تدبیری اتخاذ شود. وضعیت شاخص فساد در اقتصاد کشور نیز مطلوب نیست.

جدول (۵-۱) شاخص ادراک فساد

نام کشور	رتبه در سال ۲۰۱۴	نمره در سال ۲۰۱۴	نمره در سال ۲۰۱۳
دانمارک	۱	۹۲	۹۱
نیوزیلند	۲	۹۱	۹۱
فنلاند	۳	۸۹	۸۹
سوئد	۴	۹۷	۸۹
نروژ	۵	۸۶	۸۶
سوئیس	۶	۸۶	۸۵
سنگاپور	۷	۸۴	۸۶
هلند	۸	۸۳	۸۳
لوکزامبورگ	۹	۸۲	۸۰
کانادا	۱۰	۸۱	۸۱
ایران	۱۳۶	۲۷	۲۴

Source: Transparency International Organization (2014), Corruption Perceptions Index.

همانطور که ملاحظه می‌شود با این وضعیت نهادی نمی‌توان اصلاحات موفقیت‌آمیز ساختاری انجام داد و گذر موفق از مرحله گذار تاریخی تقریباً ناممکن است. طبق گزارش بانک جهانی، شاخص سهولت کسب و کار در ایران هم حکایت از جایگاه نامطلوب اقتصاد کشور دارد.

جدول (۱-۶). رتبه ایران در میان ۱۸۵ کشور در شاخص‌های گزارش بانک جهانی از سهولت کسب و کار

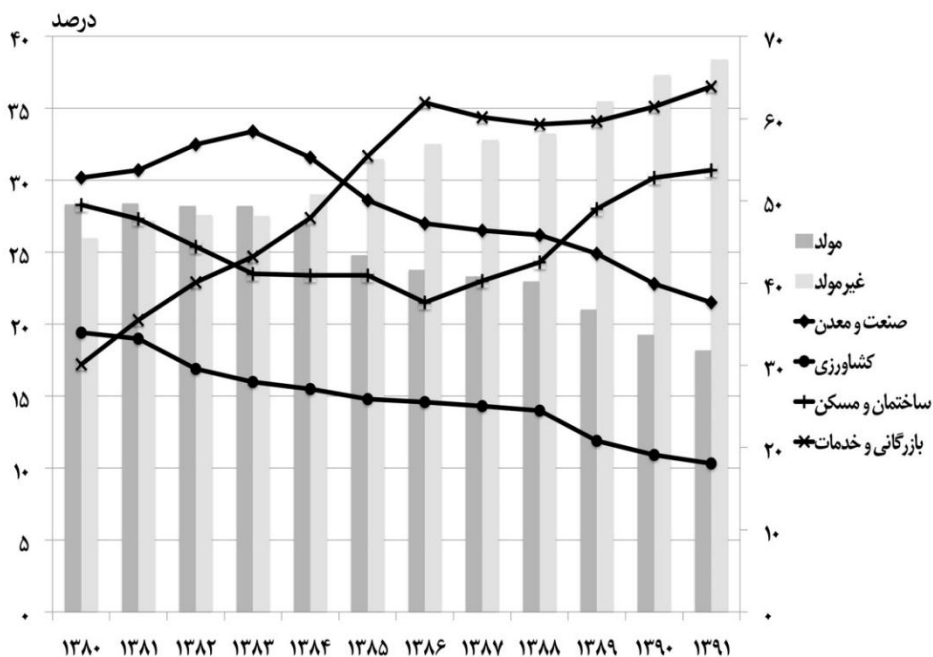
سال	شاخص انجام کسب و کار (رتبه کلی)	شروع کسب و کار	کسب مجوزهای ساخت و ساز	دسترسی به انرژی الکتریکی	ثبت مالکیت	دریافت اعتبار	حمایت از سرمایه‌گذاران	پرداخت مالیات	تجارت خارجی	اجرای قراردادها	حل و فصل ورشکستگی	تعداد کشورها
۲۰۱۱	۱۴۰	۴۳	۱۶۲	---	۱۵۹	۹۶	۱۶۶	۱۱۸	۱۳۱	۴۸	۱۱۷	۱۸۳
۲۰۱۲	۱۴۴	۵۰	۱۶۶	۱۶۴	۱۶۵	۹۷	۱۶۷	۱۲۵	۱۳۹	۵۴	۱۲۵	۱۸۳
۲۰۱۳	۱۴۵	۸۷	۱۶۶	۱۶۳	۱۶۵	۸۳	۱۵۰	۱۲۹	۱۴۳	۵۳	۱۲۶	۱۸۵

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۱)، «وضعیت ایران در گزارش سهولت انجام کسب و کار بانک جهانی، ۲۰۱۳»، گروه مطالعات کسب و کار، شماره ۱۲۶۴۰.

همانطور که از جداول (۱-۶) ملاحظه می‌شود وضعیت فضای کسب و کار در ایران نسبت به جهان و کشورهای منطقه مطلوب نیست. این در حالی است که در محاسبه شاخص وضعیت کسب و کار در ایران باید تورم بالا و بازدهی‌های بخش نامولد را هم منظور کرد. زیرا تورم نامتناسب بالا و مستمر و بازدهی‌های بالای بخش نامولد، منابع را از بخش‌های مولد به بخش‌های نامولد منتقل می‌کند. از این گذشته سهم فعالیت‌های غیررسمی و اقتصاد زیرزمینی نیز بالاست. لذا استمرار گسترش این بخش برای هر اقتصاد برنامه‌ریزی شده برای گذر موفق از مرحله تاریخی توسعه، مانعی جدی محسوب می‌شود و باید برای آن فکری کرد.

کار نظام پولی و مالی کشور به گونه‌ای است که منابع روز به روز آسان‌تر در اختیار بخش نامولد قرار می‌گیرد و دسترسی بخش مولد به آن روز به روز سخت‌تر می‌شود. (به نمودار (۱-۳) نگاه کنید).

نمودار (۳-۱). روند تغییرات سهم بخش‌های اقتصادی از تسهیلات بانکی

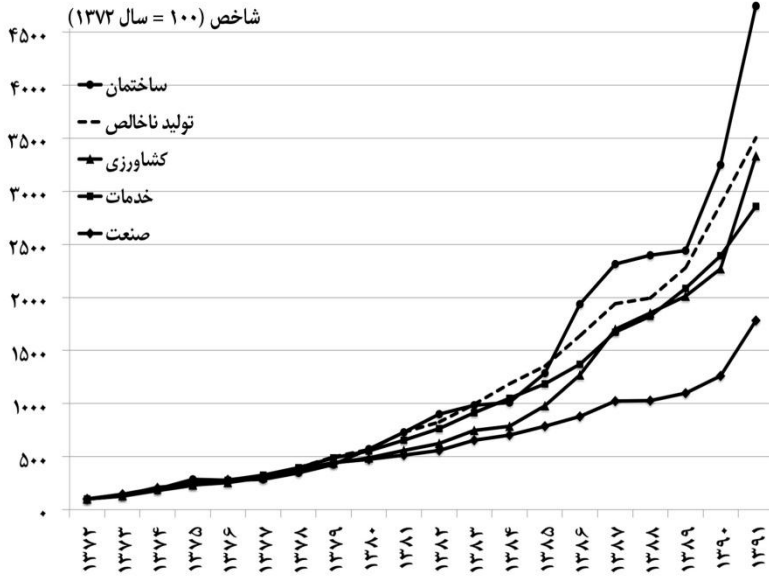


منبع: محاسبات بر اساس آمارهای بانک مرکزی

۵-۱. مشکل عدم تناسب

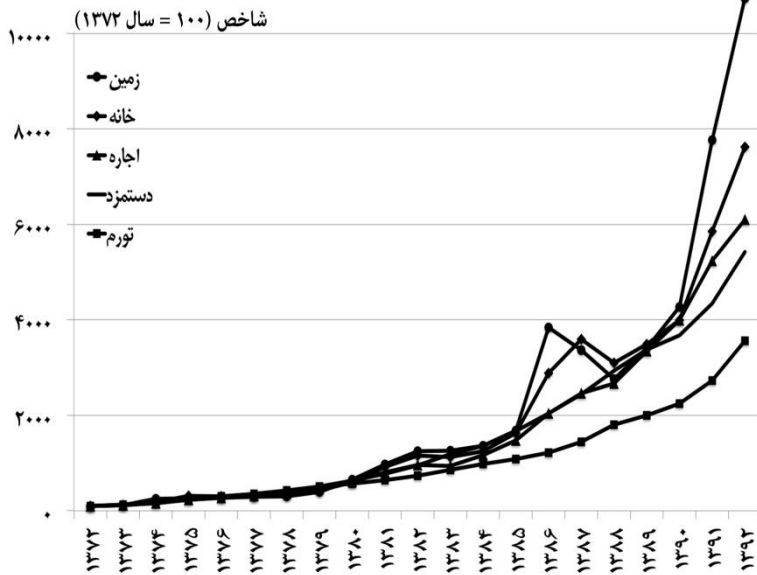
اساساً توازن و تناسب میان تغییر و رشد متغیرها و سهم‌ها در فعالیت‌ها و بخش‌ها، نشانه کارکرد نسبتاً خوب اقتصاد است مگر در یک دوره کوتاه گذار اصلاحات قیمتی که در آن برای بهبود تخصیص منابع بعضی قیمت‌ها را تصحیح می‌کنند. بنابراین تغییر آن با تغییر متغیرهای دیگر متفاوت خواهد بود. اما اگر افزایش نامتناسب قیمت بعضی از بخش‌ها و رشد نامتناسب آن‌ها نسبت به بخش‌های دیگر با بدتر شدن تخصیص منابع متناظر باشد معضلی است که تشدید و تداوم آن نشانه کارکردهای سوء در اقتصاد است و باید برای آن فکری شود. نمودارهای (۴-۱) و (۵-۱)، عدم تناسب شاخص‌های قیمت بخشی و افزایش قیمت‌های بخش‌های مختلف اقتصاد را به تصویر کشیده‌اند. همچنین نمودارهای (۶-۱) و (۷-۱) افزایش نامتناسب تولیدهای بخشی و فعالیت‌های مختلف را ارائه داده است.

نمودار (۴-۱). روند شاخص ضمنی تعدیل کننده بخشهای اقتصادی کشور



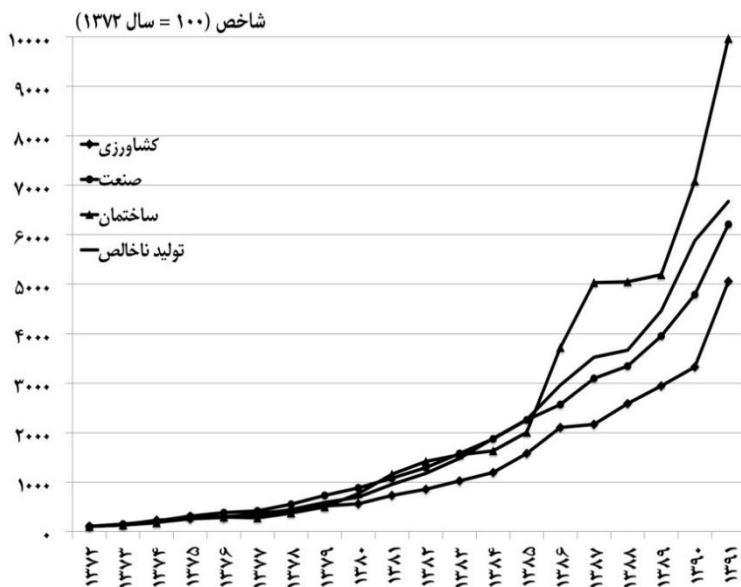
منبع: تجزیه و تحلیل بر اساس داده‌های بانک مرکزی

نمودار (۵-۱). روند رشد بهای زمین، مسکن و شاخص‌های اقتصادی در دو دهه اخیر



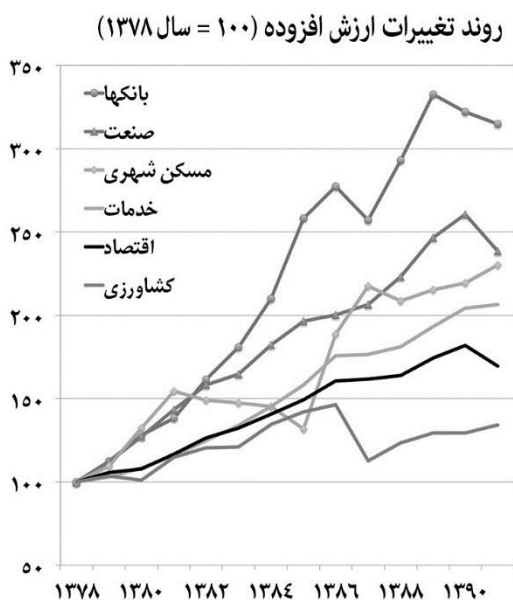
منبع: تجزیه و تحلیل بر اساس داده‌های بانک مرکزی و مرکز آمار ایران

نمودار (۶-۱). روند تولید ناخالص بخش‌های صنعت، کشاورزی و ساختمان در ایران



منبع: تجزیه و تحلیل بر اساس داده‌های بانک مرکزی

نمودار (۷-۱). روند تغییرات درآمد (ارزش افزوده) بخش‌های اقتصادی (دوره ۹۰-۱۳۷۸)



میزان تغییرات شاخص ضمنی تعدیل کننده نسبت به کل اقتصاد (درصد)



منبع: تجزیه و تحلیل بر اساس داده‌های بانک مرکزی و مرکز آمار ایران

همانطور که از این نمودارها ملاحظه می‌شود، عدم تناسب‌های بخشی و فعالیت‌ها چه در حوزه قیمت‌ها و چه در حوزه کارکردها بسیار شدید است و تشدید آنها در جهت بدتر شدن تخصیص منابع، تقویت فعالیت‌های نامولد و تضعیف فعالیت‌های مولد است. جلوگیری از حد تناسب قیمت، درآمد و سهم بعضی از بخش‌ها مسلماً ابتدا بخش‌های دیگر را محدود و راکد می‌کند و چون توزیع درآمد را هم تحت تأثیر قرار می‌دهد تقاضای آینده خود این بخش‌ها را محدود ساخته و خود آنها نیز با چند وقفه در رکود فرو می‌روند. اساساً دوره گذار تاریخی باید با بهبود مستمر فضای کسب و کار، محدود شدن و تضعیف فساد و حتی نبود فساد، ارتقای حقوق مالکیت و خشکاندن قاچاق و محدود شدن فعالیت‌های غیررسمی همراه باشد. در غیر این صورت دوره گذار طولانی می‌شود و عدم تعادل‌ها، به‌هم ریختگی‌ها، روزمرگی‌ها و بی‌ثباتی‌ها به جای حالت موقت، جنبه دائمی پیدا می‌کنند و این، رسیدن به توسعه را تقریباً ناممکن می‌سازد. همانطور که از آمار و اطلاعات مربوط به وضعیت شاخص‌های مذکور ملاحظه شد وضعیت ما در همه این موارد نامطلوب است.

نکته بسیار مهم که باید مورد توجه قرار گیرد این است که بسیاری از مسائل اقتصاد ایران و بسیاری از عدم تعادل‌ها و موانع به خاطر طولانی شدن و پیچیده شدن شرایط دوره گذار، ماهیت تاریخی پیدا کرده‌اند و به وضعیت نهادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی کشور گره خورده‌اند. لذا مسائل و موانع تاریخی را نمی‌توان صرفاً با سیاست‌گذاری اقتصادی آن هم از نوع سیاست‌های صرفاً قیمتی رفع و رجوع کرد. اگر با پدیده‌های ماهیتاً تاریخی برخورد مقطعی و سیاستی قیمتی انجام شود مطمئناً شرایط را بدتر می‌کند و این خبط فاحشی است که ما در برنامه‌های توسعه مرتکب شده‌ایم و می‌خواهیم با شوک درمانی و صرف رها کردن قیمت‌های کلیدی، تورم و بیکاری مزمن را مرتفع کنیم و با فساد و قاچاق و پولشویی مبارزه کنیم. از فرار مغزها جلوگیری کنیم. حقوق مالکیت را ارتقا دهیم و فضای کسب و کار را بهبود بخشیم. در اقتصاد حتی موضوعاتی مثل تورم، بیکاری، بی‌ثباتی نقدینگی و رکود وقتی ماندگار شوند ماهیت تاریخی پیدا می‌کنند و با زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی موضوع در هم آمیخته می‌شود چه رسد به موضوعاتی مانند نهادها و فضای کسب و کار و فساد.

بنابراین باید از این اشتباه فاحش روش‌شناختی و سیاستی دست برداشت و فضای ذهنی و سیاست‌گذاری را تصحیح کرد. برنامه‌های توسعه ما با وجودی که نام توسعه را با خود دارند با تمام پدیده‌های تاریخی اقتصادی، برخورد سیاستی داشته و برای بسیاری از آنها سیاست قیمتی ارائه کرده‌اند و لذا نه تنها به اهداف خود نرسیده‌اند بلکه به مشکلات و پیچیدگی‌ها هم افزوده‌اند و حتی موجب اختلالات بیشتر قیمت‌های نسبی هم شده‌اند. به عنوان مثال رقابت‌پذیری اقتصاد در صحنه تجارت بین‌الملل ارتقاء نیافته است. البته ممکن است گفته شود به هر حال برای حل معضلات تاریخی و موانع پیش‌راه، آیا نباید از سیاست اقتصادی استفاده کرد؟ مسلماً برای مواجهه با موانع و

عدم تعادل‌های بلندمدت باید از مسیر کوتاه‌مدت عبور کرد و در عمل باید اقدامات کوتاه‌مدت (اما با نگاه بلندمدت) انجام داد اما جدول راهکار، ماهیت تاریخی بلندمدت دارد که در ظرف زمان و در دوره‌های کوتاه‌مدت در کنار اقدامات اجتماعی، نهادی و فرهنگی، سیاست‌های سازگار اقتصادی را نیز شامل می‌شود. در این صورت چه بسا برای اصلاحات نهادی ما برای فراهم کردن بستر و محیط مناسب مجبور باشیم سیاست‌های مناسب اقتصادی و دنباله‌رو اقدامات ساختاری و نهادی اتخاذ کنیم.

اقتصاد محیط‌زیست در کشور وضعیت خوبی ندارد. با وجودی که صنعتی نشده‌ایم اما چون صاحب صنعت هستیم همه آثار منفی زیست‌محیطی آن را داریم. شهرهای بزرگ بسیار آلوده‌اند. پساب کارخانه‌ها و حتی فاضلاب‌ها، رودخانه‌ها را آلوده کرده است. آبیاری با آب‌های آلوده در حاشیه شهرها رایج است. تخریب باغات، مزارع و جنگل‌ها به طور مستمر در جریان است. سموم دفع آفات نباتی و کودهای شیمیایی، مزارع کشور را آلوده کرده و بهداشت محصولات را ناامن کرده است. در طراحی پروژه‌های کوچک و بزرگ، ملاحظات زیست‌محیطی منظور نمی‌شود. بی‌اعتنایی به محیط زیست در رفتار همه مشهود است. زباله‌ها در حاشیه رودخانه‌ها، بیابان‌ها، جنگل‌ها و جاده‌ها رها می‌شود. محصولات منفی و هزینه‌های زیست‌محیطی اقدامات اقتصادی در مدل تصمیم‌گیری عوامل اقتصادی درونی نشده است به طوری که بدون دست‌یافتن به شاخص‌های رفاهی توسعه، مشکلات زیست‌محیطی از مشکلات خطرناک ما محسوب می‌شود و این خود کار ما را برای دستیابی به توسعه پایدار بسیار سخت می‌کند و این‌ها به خوبی گویای آن است که وقتی در دوره‌های گذار با پدیده‌های تاریخی و معضلات و موانعی که ماهیت تاریخی، اجتماعی دارند صرفاً برخورد قیمتی و سیاستی صورت می‌گیرد و همه جنبه‌های دیگر موضوعات رها و یا به فراموشی سپرده می‌شود، در آن صورت جنبه‌های فوق به جای ارتقاء، تنزل می‌یابد و امنیت غذایی، اخلاقی، اقتصادی و زیست‌محیطی جامعه سست و خدشه‌دار می‌شود.

برای برون‌رفت از دوره گذار باید با استفاده از یک نظام اطلاعات و آمار کارآمد برنامه‌ریزی کرد و سیاست‌های مناسب اعمال نمود اما نظام اطلاعات و آمار اقتصادی اجتماعی بسیار ضعیف است. در مورد بازدهی بسیاری از فعالیت‌ها، جریان درآمدی ثروت و سرمایه‌ها و وضعیت و مراحل ارزش‌افزوده‌ها، اطلاعات مناسب وجود ندارد، اطلاعات مربوط به قیمت تمام شده محصولات به طور عام و کالاهای عمومی به طور خاص که برای اجرای بودجه عملیاتی لازم است بسیار محدود و ناچیز است. در طرف درآمد حساب‌های ملی، اجزاء و مصارف درآمد کل محاسبه نمی‌شود. اسناد مالکیت زمین و ساختمان همه‌گیر نیست. ثبت هوشمند برقرار نیست لذا اطلاعات معاملات زمین و مسکن بسیار محدود است. اطلاعات در مورد دارایی‌ها بسیار کم است. متأسفانه دولت و حاکمیت از ایجاد نظام اطلاعات و آمار فراگیر و شفاف استقبال نمی‌کند. مردم هم از دادن اطلاعات خصوصاً در مورد دارایی‌ها و درآمد خود ابا دارند، اطلاعات و آمار جمع‌آوری شده موجود هم دقیق نیست. لذا

با توجه به این وضعیت آمار و اطلاعات و با توجه به این که اقتصاد ما در دوره گذار تاریخی قرار دارد و مدام با عدم تعادل‌ها و بی‌ثباتی‌ها مواجه است و بسیاری از موضوعات اقتصادی ماهیت تاریخی پیدا کرده‌اند و ارتباط میان بخش‌های اقتصادی درون‌زا، تعاملی و سازگار نیست، قابلیت اعتماد مدل‌های اقتصادی موجود و نتایج آن هم جای تردید دارد.

سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که وقتی ما در دوره گذار تاریخی توسعه خود قرار داریم و سال‌هاست که قصد جامعه توسعه یافته را داریم اما روزه روز عدم تعادل‌ها و بی‌ثباتی‌های بیشتری را تجربه می‌کنیم و وضعیت ما این‌گونه است که در سطوح و صفحات قبلی گفته شد، آیا چشم‌انداز امیدوار کننده‌ای برای طی کردن موفقیت‌آمیز این دوره وجود دارد؟ در پاسخ باید گفت که با وجود انباشت مشکلات و پیچیدگی‌ها و عدم تعادل‌ها، اگر نگاه خود را تصحیح کنیم و با ایده‌های ژرف موقعیت تاریخی اقتصاد را بشناسیم و بر اساس آن برنامه‌ریزی کنیم و بسترهای نهادی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را مورد توجه قرار دهیم و به طور کلی رویه خود را تغییر دهیم با توجه به وجود منابع بالقوه و بالفعل، نیروی انسانی تحصیل کرده و قابلیت‌های فراوان آنها، دستیابی به توسعه کاملاً امکان‌پذیر است.

جمع‌بندی

آنچه در این فصل ابتدایی به عنوان تبیین وضع موجود ارائه کردیم این بود که مشخص کردیم ما نه جامعه سنتی هستیم و نه جامعه توسعه‌یافته مدرن و زمانی طولانی است که در دوره گذار و تحول قرار داریم، بنابراین مدام با عدم تعادل‌ها، بی‌ثباتی‌ها و بهم‌ریختگی‌ها مواجهیم. لذا تأکید کردیم که این دوره اقتضات خاص خودش را دارد و باید جامعه و اقتصاد را طوری اداره و برنامه‌ریزی کرد که این دوره سریع و موفقیت‌آمیز طی شود اما ما اقتضات فوق را مورد توجه قرار نداده‌ایم. لذا عدم تعادل‌ها و موانع و مشکلات اقتصادی-اجتماعی به خاطر طولانی شدن این دوره و به خاطر عدم درک صحیح سیاستگذاران از شرایط، ماهیت تاریخی-اجتماعی پیدا کرده‌اند و ما صرفاً برای اصلاح آنها سیاست اقتصادی صرف اعمال کرده‌ایم به طوری که به جای ارتقاء شرایط و رفع موانع، شرایط بدتر و موانع پیچیده‌تر شده است. برای برون‌رفت از این گذار حساس چاره‌ای جز اصلاح نگرش‌ها و تصحیح روش‌های مواجهه با مسائل و برنامه‌ریزی و سیاستگذاری سازگار با اقتضات این دوره نداریم. لذا با توصیف مختصری که از وضع موجود ارائه دادیم در فصول بعدی بعضی از موضوعات مهم اقتصاد ایران را ارائه خواهیم کرد و سعی می‌کنیم جنبه‌های مختلف آنها را بررسی و تبیین کنیم و در پایان هر فصل راهکار لازم برای اصلاح وضعیت مرتبط ارائه دهیم.